

کتاب یوئیل و کلیسای لاودیقیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم - شماره سی و پنج

Jeff Pippenger

2026-01-27

شماره سی و پنج

در صفحه ۸۱ کتاب «نوشته‌های نخستین» (و «۸۱» نماد یک کاهن اعظم الهی و هشتاد کاهن است)، رؤیای دوم ویلیام میلر ثبت شده است. همچون نبوکدنصر، ویلیام میلر دو رؤیا داشت. رؤیای دوم نبوکدنصر در فصل چهارم دانیال، در چارچوب «هفت زمان» موسی در لاویان ۲۶ قرار داده شده است. میلر، هنگامی که ۲۵۲۰ را تعلیم می‌داد، از فصل چهارم دانیال برای تبیین «هفت زمان» لاویان ۲۶ بهره گرفت، هرچند آن را «هفت زمان» می‌نامید. میلر تشخیص نداد که نبوکدنصر نمونه او بود، اما ۲۵۲۰ روز نبوکدنصر در فصل چهارم، در رؤیای میلر، پیش از آمدن مردِ جاروی خاک، هم به وسیلهٔ واژه «پراکنده ساختن» و هم به وسیلهٔ این حقیقت که «هفت زمان» رخ می‌دهد، بازنمایی شده است.

میلر از سوی خواهر وایت «پدر میلر» نامیده می‌شود، اما نه به شیوهٔ بت‌پرستانه چنان که کاتولیک‌ها می‌کنند، بلکه به گونه‌ای پدرسالارانه، همچون ابراهیم، آن پدرسالار. میلر نماد است؛ او مردِ عهد است و نمایانگر زنجیرهٔ نمادهای کتاب مقدسی در مسیر عهدِ نهایی با یکصد و چهل و چهار هزار. یوئیل به ما خبر می‌دهد که در ایام آخر، پیران خواب‌ها خواهند دید، و ویلیام میلر پیر تاریخ ماست، و نیز همان کشاورزی است که پیشگویی ویلیام تیندیل را تحقق بخشید که می‌گوید: «اگر خدا جانم را محفوظ بدارد، پیش از آن‌که سالیان بسیار بگذرد، چنان خواهیم کرد که پسرکی که گاواهن می‌راند، از تو کتاب مقدس را بیشتر بداند.»

«خدا فرشتهٔ خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت اثر بگذارد، تا او را برانگیزد که نبوت‌ها را جست‌وجو کند. فرشتگان خدا بارها و بارها به دیدار آن برگزیده آمدند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت‌هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک بود بر فهم او بگشایند. آغاز زنجیرهٔ حقیقت به او داده شد، و او رهنمون شد تا حلقه به حلقه در پی آن بگردد، تا آن‌که با شگفتی و تحسین به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره‌ای کامل از حقیقت دید. همان کلامی که آن را بی‌الهام می‌پنداشت، اکنون در جمال و جلالش در برابر دیدگانش گشوده شد. دید که بخشی از کتاب مقدس بخش دیگر را توضیح می‌دهد، و هرگاه عبارتی بر فهمش بسته بود، در بخش دیگری از کلام آنچه آن را توضیح می‌داد می‌یافت. او به کلام مقدس خدا با شادی و با عمیق‌ترین احترام و هیبت می‌نگریست.» نوشته‌های نخستین، ۲۳۰.

میلر همان کشاورزی بود که نبوت تیندیل را تحقق بخشید، و نخستین انتشار معرفت نبوتی‌ای که او از گشوده شدن مهر دانیال ۸:۱۴ گرد آورده بود، در سال ۱۸۳۱ صورت گرفت؛ دویست و بیست سال پس از انتشار ترجمهٔ کینگ جیمز از کتاب مقدس. جان ویکلیف، ویلیام تیندیل و انتشار ترجمهٔ کینگ جیمز از کتاب مقدس در ۱۶۱۱، سه نشانهٔ راه را تشکیل می‌دهند که نبوتی دویست و بیست‌ساله را آغاز می‌کنند؛ نبوتی که آنگاه پایان می‌یابد که پسر شخمرز تیندیل کلام خدا را به روی پیام فرشتهٔ اول بگشاید، پیامی که می‌بایست دو فرشتهٔ دیگر آن را دنبال کنند. آن فرشتهٔ اول در ۱۷۹۸ ظاهر شد و سومی در ۱۸۴۴. ویکلیف، تیندیل و کینگ جیمز با آن کشاورزی پیوند می‌یابند که می‌بایست پیشگویی تیندیل را تحقق بخشد و نماد تاریخ سه فرشته از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ باشد.

اکتشاف آلفای ویلیام میلر، ۲۵۲۰ سال مذکور در لایوان باب بیست و ششم بود و اکتشاف امگای او، ۲۳۰۰ سال دانیال ۸:۱۴ بود. پراکندگی ۲۵۲۰ ساله یهودا از ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۸۴۴ میلادی پایان یافت. ۲۳۰۰ سال دانیال ۸:۱۴ نیز در ۱۸۴۴ میلادی به پایان رسید. هر دو با هم در ۱۸۴۴ میلادی خاتمه یافتند و نقطه آغاز اکتشافات آلفا و امگای ویلیام میلر با یکدیگر دویست و بیست سال فاصله داشت. «دویست و بیست» نماد ویلیام میلر است، بر پایه شهادت دو شاهد. اکتشافات آلفا و امگای میلر با سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ نشان داده می‌شوند. پراکندگی ۲۵۲۰ ساله علیه پادشاهی شمالی در ۱۷۹۸ خاتمه یافت و چهل و شش سال بعد، در ۱۸۴۴، ۲۳۰۰ سال به پایان رسید.

دوره ۲,۵۲۰ ساله‌ای که در ۱۷۹۸ پایان یافت، آن تاریخ را مشخص می‌کند، و ۲,۵۲۰ سال علیه یهودا که در ۱۸۴۴ خاتمه یافت، دوره‌ای دویست و بیست ساله پدید می‌آورد. این بدان معناست که ۲,۵۲۰ علیه اسرائیل، مدت نبوی چهل و شش ساله را پدید می‌آورد، و ۲,۵۲۰ علیه یهودا، مدت نبوی دویست و بیست ساله را. آلفای آن دوره ۶۷۷ قبل از میلاد و امگای آن ۴۵۷ قبل از میلاد است، که بدین معناست که آلفای دوره چهل و شش ساله و دوره دویست و بیست ساله به وسیله ۲,۵۲۰ نمایانده می‌شود، و امگای هر دو خط، ۲,۳۰۰ است. دو «پراکندگی» ۲,۵۲۰ ساله، دو شاهد برای دوره‌ای فراهم می‌آورند که با ۲,۵۲۰ آغاز می‌شود و با ۲,۳۰۰ پایان می‌یابد. هر دوی آن خطوط، اکتشافات آلفا و امگای ویلیام میلر را مشخص می‌کنند.

رؤیای ویلیام میلر

در خواب دیدم که خداوند به دستی نادیدنی برایم صندوقچه‌ای به طرزی شگفت‌انگیز ساخته شده فرستاد؛ به طولی حدود ده اینچ و با قاعده‌ای مربع به ضلع شش اینچ، از آبنوس ساخته و با مرواریدها به طرزی شگفت‌انگیز معرق‌کاری شده بود. به صندوقچه کلیدی پیوسته بود. بی‌درنگ کلید را برداشتم و صندوقچه را گشودم؛ آنگاه، به شگفتی و حیرتم، دیدم که آن از هر گونه و هر اندازه جواهر، الماس‌ها، سنگ‌های قیمتی، و سکه‌های طلا و نقره با هر اندازه و ارزشی آکنده بود، که به زیبایی هر یک در جای خود در صندوقچه چیده شده بودند؛ و بدین‌گونه چیده شده، نور و شکوهی بازمی‌تاباندند که تنها با خورشید برابری می‌کرد.

روا نمی‌دانستم تنها خود از این منظره شگفت‌انگیز لذت ببرم، هرچند دلم از درخشش، زیبایی و ارزش محتویاتش سرشار از شادی بود. از این‌رو آن را روی میز وسط اتاقم گذاشتم و اعلام کردم که هر کس میل دارد بیاید و باشکوه‌ترین و درخشان‌ترین منظره‌ای را که تاکنون بشر در این دنیا دیده است، ببیند.

مردم آمدن گرفتند؛ در آغاز شمارشان اندک بود، ولی رفته‌رفته به جمعیتی انبوه بدل شد. چون نخستین بار درون صندوقچه را می‌نگریستند، در شگفت می‌شدند و از شادی بانگ برمی‌آوردند. اما هرچه شمار تماشاگران فزونی می‌گرفت، هر کس به آشفته کردن جواهر می‌پرداخت، آنها را از صندوقچه بیرون می‌آورد و بر میز می‌پراکند.

در اندیشه افتادم که مالک بار دیگر صندوقچه و جواهرات را از دست من مطالبه خواهد کرد؛ و اگر می‌گذاشتم که پراکنده شوند، هرگز نمی‌توانستم آنها را چون پیش در جای خود در صندوقچه بگذارم؛ و احساس می‌کردم هرگز از عهده پاسخ‌گویی برنخواهم آمد، زیرا بس عظیم می‌بود. آنگاه از مردم التماس کردم که به آنها دست نزنند و آنها را از صندوقچه بیرون نیاورند؛ اما هرچه بیشتر التماس می‌کردم، بیشتر جواهرات را پراکنده می‌ساختند؛ و اکنون چنان می‌نمود که آنها را در سراسر اتاق پراکنده می‌کنند، بر کف زمین و بر هر قطعه‌ای از اثاث اتاق.

سپس دیدم که در میان جواهرات و سکه‌های اصیل، مقدار بی‌شماری جواهرات جعلی و سکه‌های تقلبی پراکنده کرده بودند. از رفتار پست و ناسپاسی‌شان سخت خشمگین شدم و به سبب آن

سرزنش و ملامتشان کردم؛ اما هرچه بیشتر سرزنش می‌کردم، بیشتر جواهرات جعلی و سکه‌های تقلبی را در میان جواهرات و سکه‌های اصیل می‌پراکندند.

آنگاه در نفس جسمانی‌ام برآشفته شدم و به به‌کارگیری قوهٔ جسمانی پرداختم تا آن‌ها را از اتاق بیرون برانم؛ اما در حالی که یکی را بیرون می‌راندم، سه تای دیگر وارد می‌شدند و خاک و تراشه و شن و هرگونه زباله‌ای با خود می‌آوردند، تا آن‌که تک‌تک جواهرات راستین، الماس‌ها و سکه‌ها را پوشاندند و همه از نظر پنهان شدند. همچنین صندوقچه‌ام را پاره‌پاره کردند و آن را میان زباله‌ها پراکندند. با خود پنداشتم هیچ‌کس به اندوه یا خشم من اعتنایی ندارد. به کلی دلسرد و دل‌شکسته شدم و نشستم و گریستم.

چون چنین می‌گریستم و بر خسران عظیم و مؤاخذهٔ خویش ماتم می‌گرفتم، خدا را به یاد آوردم و با تضرع دعا کردم تا یاری‌ای از جانب خویش برام بفرستد.

بی‌درنگ در گشوده شد، و مردی به اتاق درآمد، همان‌گاه که همهٔ مردم از آن بیرون رفتند؛ و او که جاروی خاکروبه‌ای در دست داشت، پنجره‌ها را گشود و آغاز کرد به روبیدن خاک و زباله از اتاق.

به او فریاد زدم که دست نگه دارد، زیرا چند جواهر گران‌بها لابه‌لای زباله‌ها پراکنده بودند.

او به من گفت: 'مترس'، زیرا که او از ایشان مراقبت خواهد کرد.

سپس، وقتی او خاک و زباله، جواهرات بدلی و سکه‌های تقلبی را جارو می‌کرد، همه چون ابری برخاستند و از پنجره بیرون رفتند و باد آن‌ها را با خود برد. در آن هیاهو برای لحظه‌ای چشم‌هایم را بستم؛ وقتی بازشان کردم، همه زباله‌ها ناپدید شده بود. جواهرات گران‌بها، الماس‌ها، و سکه‌های طلا و نقره، به‌وفور در سراسر اتاق پراکنده شده بودند.

سپس صندوقچه‌ای، بسیار بزرگ‌تر و زیباتر از قبلی، روی میز گذاشت و جواهرات، الماس‌ها و سکه‌ها را مشت‌مشت جمع کرد و در صندوقچه ریخت، تا هیچ‌کدام باقی نماند، هرچند بعضی از الماس‌ها از نوک سوزن هم بزرگ‌تر نبودند.

سپس مرا فراخواند و گفت: «بیا و ببین.»

به درون صندوقچه نگاه کردم، اما چشم‌هایم از دیدن آن خیره شد. آنها با ده برابر شکوه پیشین خود می‌درخشیدند. پنداشتم زیر پای آن اشخاص شریری که آنها را پراکنده کرده و در خاک لگدمالشان کرده بودند، در شن ساییده شده‌اند. آنها با نظمی زیبا در صندوقچه چیده شده بودند، هر یک در جای خود، بی‌آنکه هیچ نشانی از زحمت مردی که آنها را در آن افکنده بود به چشم آید. از فرط شادی فریاد زدم و همان فریاد مرا بیدار کرد. نوشته‌های نخستین، ۸۱-۸۳.

رؤیا، که از صفحهٔ «۸۱» - نماد کاهنان - آغاز می‌شود، تاریخ کار کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای را در از میان بردن حقایق بنیادینی که الوهیت به واسطهٔ انسانیت و پیام میلر گرد آورده بود، معین می‌سازد. این تاریخ آنگاه پایان می‌یابد که میلر «با شادی بسیار فریاد زد» و آن فریاد «او را بیدار کرد». تاریخی که در رؤیا بازنمایی شده است، در «فریاد بلند فرشته سوم» - که اوج «فریاد نیمه‌شب» است - به فرجام می‌رسد. روایت تاریخی رؤیای میلر همچنین نشانه‌های راه تاریخ میلریتی را نیز نمایان می‌کند و از این‌رو تاریخ موازی جنبش یکصد و چهل و چهار هزار تن را هم باز می‌نماید. به همان اندازه مهم آن است که بازنمایی تاریخی رؤیا حاوی فراکتالی نبوی از تاریخی است که در سال ۲۰۲۳ آغاز به تکرار شد.

گوهرهای حقیقتی که در تاریخ آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر شناخته شده بودند، در سال ۲۰۰۴ در سجل عمومی به ثبت رسیدند و سپس بار دیگر در سال ۲۰۱۲، هنگامی که ارائه «جدول حقوق»

گروهی را که مقدر بود پراکنده گردد، گرد آورد. آن حقایق در سال ۲۰۰۴، با نخستین ارائه حقیقی که در سال ۱۹۸۹ از مهر گشوده شده بودند، بر میز نهاده شدند. در آن هنگام تنها «اندکی» آن پیام را مورد توجه قرار دادند، اما در سال ۲۰۱۲، سلسله‌ای ۹۵گانه از ارائه‌ها با عنوان «جداول حقوق» انبوهی را جذب کرد، زیرا «مردم آغاز کردند به وارد شدن؛ در ابتدا اندک‌شمار، اما رو به فزونی تا آنکه به انبوهی بدل شدند».

از سال ۲۰۱۲ تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، آن حقایق به تدریج پراکنده و زیر خاشاک پوشیده شدند. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، طرفداران پیام لوح‌های حقوق به مدت سه روز و نیم پراکنده شدند.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، وحشی که از ورطه بی‌انتها برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان غالب خواهد آمد و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در خیابان آن شهر بزرگ خواهند ماند، که از نظر روحانی «سدوم» و «مصر» خوانده می‌شود، جایی که نیز خداوند ما مصلوب شد. و مردمانی از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و امت‌ها سه روز و نیم اجساد ایشان را خواهند دید و نخواهند گذاشت اجسادشان به گورها سپرده شود. و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواهند کرد و شادمانی خواهند نمود و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی ساکنان زمین را معذب کرده بودند. مکاشفه یوحنا ۱۱:۷-۱۰.

در روز سبت، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳، فیوچر فور آمریکا در یک جلسه زوم شرکت کرد که نخستین نشست عمومی آن از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به این سو بود. ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳، ۱،۲۶۰ روز پس از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است، یعنی «سه روز و نیم». در حالی که ایلیا و موسی در خیابان مرده بودند، طبقه دیگر در حال «شادمانی» است. فیوچر فور آمریکا در ژوئیه ۲۰۲۳ به نشر پیام نبوی بازگشته بود، زیرا آن پیام که آنگاه می‌بایست به تمامی زمین برسد، به ضرورت نبوی می‌بایست از «بیابان» برآید. سه روز و نیم، یا ۱،۲۶۰ روز، همان بیابان است.

و زن به بیابان گریخت، جایی که مکانی از جانب خدا برای او آماده شده است، تا او را در آنجا هزار و دویست و شصت روز خوراک دهند. مکاشفه یوحنا ۱۲:۶

«بیابان» عبارت است از «هزار و دویست و شصت روز»، یعنی ۱،۲۶۰ روز، که همچنین «سه روز و نیم» است، و در مکاشفه ۱۲:۶ بازنمایی شده است، و «۱۲۶» عشر ۱،۲۶۰ است. یکی از حقایق شگفت‌انگیزی که آنگاه مهرش برداشته شد، ضرورت توبه بود، در تحقق دعای «هفت بار» در لایوان بیست‌وشش.

۱،۲۶۰ روز همچنین نمادی از ۲،۵۲۰ روز است. «هفت بار» بر ضد پادشاهی شمالی در ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۷۹۸ میلادی پایان یافت. نقطه میانی آن ۵۳۸ میلادی است، و بدین‌سان ۱،۲۶۰ سال پدید می‌آید که طی آن وثن‌پرستی قدس و لشکر را پایمال ساخت، و پس از آن ۱،۲۶۰ سال دیگر که پاپی‌گری قدس و لشکر را پایمال نمود. این ساختار نبوی با ۱،۲۶۰ روز از تعمید مسیح تا صلیب هم‌راستا است، و به دنبال آن ۱،۲۶۰ روز نبوی تا سال ۳۴ میلادی، هنگامی که انجیل به سوی غیریهودیان رفت. بنابراین، بر حسب شهادت دو شاهد، ۱،۲۶۰ جزئی از ۲،۵۲۰ روز است، یا همان «هفت بار» موسی در لایوان فصل بیست‌وشش.

آن «صدا در بیابان»، که دوره آن از روز سبت ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا روز سبت ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳ امتداد داشت، در ژوئیه ۲۰۲۳ به فریاد درآمد؛ و چون دوره «بیابان» در روز سبت ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳ پایان یافت، رستاخیز موسی و ایلیا فرا رسید. پیام آن صدا روشن ساخت که نشانه راه نخستین نومیدی‌های موازی در هر جنبش اصلاحی، پیشگویی نادرست ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را در سیاق مثل ده باکره تبیین می‌کند. آن مردان و زنان را به توبه‌ای فراخواند که در دعای باب بیست‌وششم لایوان مجسم است. رؤیای میلر همان توبه را باز می‌نماید، آنگاه که چنین می‌نویسد: "در حالی که بدین‌گونه برای خسارت بزرگ و مسؤلیت سنگینم می‌گریستم و ماتم می‌گرفتم، خدا را به یاد آوردم و به جد دعا کردم که برایم یاری

بفرستد."

بیابید و ببینید

رویای میلر با دو بار به کار رفتن عبارت «بیا و ببین» به دو بخش تقسیم می‌شود. بار نخست، میلر مردم را به «بیا و ببین» دعوت می‌کند و بار دوم، «مرد جاروی خاک» خود میلر را به «بیا و ببین» فرامی‌خواند. «بیا و ببین» نمادی نبوتی است که حقیقتی نبوتی را که مهر آن گشوده شده است مشخص می‌سازد. چهار مهر نخست هر یک متضمن فرمان «بیا و ببین» هستند.

و دیدم که چون برّه یکی از مهرها را گشود، آوازی شنیدم چون آوای رعد، که یکی از چهار حیوان می‌گفت: بیا و بنگر. ... و چون مهر دوم را گشود، شنیدم حیوان دوم می‌گوید: بیا و بنگر. ... و چون مهر سوم را گشود، شنیدم حیوان سوم می‌گوید: بیا و بنگر. ... و چون مهر چهارم را گشود، آواز حیوان چهارم را شنیدم که می‌گفت: بیا و بنگر. مکاشفه ۱: ۶، ۳، ۵، ۷.

«بیا و ببین» در آغاز رؤیای میلر الفا است و «بیا و ببین» در پایان امگا است. این رؤیا گشودن مهر در آغاز رؤیا را جواهر معرفی می‌کند؛ جواهری که وقتی «مرتب شدند، نوری و جلالی بازتابانند که تنها با خورشید برابری می‌کرد.» هنگامی که مسیح میلر را فراخواند که امگا را «بیا و ببین»، میلر می‌گوید: «چشمانم از آن منظر خیره شد. آنها با ده برابر جلال پیشین خود می‌درخشیدند.» نور الفا همچون خورشید بود و نور امگا ده برابر خورشید بود.

پراکندن

سوگواری و توبه میلر در پایان دوره‌ای بازنمایی می‌شود که با نخستین «بیا و ببین» آغاز می‌شود و با آخرین «بیا و ببین» پایان می‌یابد. در دوره‌ای که با گشودن مهر پیامی برای مردم از سوی میلر آغاز می‌شود و سپس با گشودن مهر پیامی برای میلر از سوی مسیح پایان می‌یابد، واژه «پراکنده ساختن» «هفت بار» بازنمایی می‌شود. میلر بار دیگر آن واژه را به کار خواهد برد، اما در فاصله میان نخستین و آخرین گشایش مهر، «پراکنده ساختن» «هفت بار» بیان می‌شود. کتاب مقدس داوری «هفت زمان» را با واژه «پراکنده ساختن» می‌شناساند.

و شما را در میان امت‌ها پراکنده خواهم ساخت، و شمشیری را در پی شما از نیام بیرون خواهم کشید؛ و زمین شما قفر خواهد شد و شهرهایتان ویران خواهند شد. لایوان ۲۶:۳۳.

نخستین حقیقتی که میلر کشف کرد، «هفت بار» لایوان باب بیست‌وشش بود؛ و در رؤیای او، در فاصله میان انتشار پیام میلر و انتشار پیام مسیح، همه حقایق بنیانی که کار ویلیام میلر نمایندگی می‌کرد، می‌بایست با خاشاک و سکه‌های جعلی الهی‌دانان ادونتیسیم روز هفتم لائودکیایی پوشانده شوند. آن رد حقایق بنیانی، به منزله هفت پراکندگی در تاریخ میان آلفا و امگا تصویر شده است. «هفت بار» نماد کار ویلیام میلر است؛ کاری که خود بنیان‌های ادونتیسیم روز هفتم را تشکیل می‌دهد و از میان آن‌ها، ۲,۳۰۰ روز دانیال ۸:۱۴ ستون مرکزی همان بنیان است. آنچه این امر نشان می‌دهد این است که ۲,۵۲۰ سال پراکندگی - که نخستین، یا کشف آلفای ویلیام میلر بود - نشان‌گذار آغاز دوره‌ای است که با کشف امگای ویلیام میلر، یعنی ۲,۳۰۰ روز، به پایان رسید.

آنگاه که ادونتیسیم روز هفتم لائودکیه‌ای در 1863 «هفت زمان» را کنار نهاد، نخستین کشف ویلیام میلر را - که کشف آلفای او و کشف بنیادین او بود - کنار نهاد. آخرین کشف میلر، 2,300 روز بود، که کشف امگای او و کشف اختتامی او به شمار می‌آمد. «هفت زمان» که در 1798 خاتمه یافت، 2,520 را مشخص کرد، و 2,300 روز در 1844 مشخص شد.

این مردِ جاروی خاک است که جواهرات را پس از آن که برای هفت بار پراکنده شدند، گرد می‌آورد. سپس صندوقچه بزرگ‌تر و زیباتر می‌شود و ده برابر درخشان‌تر از خورشید می‌درخشد. ده نمادِ آزمون است، و از این‌رو آن جواهرات در آزمونی که بر سر روز خورشید است می‌درخشند؛ پس رؤیای میلر در سال 1798 آغاز می‌شود و در ندای بلند فرشته سوم در زمان قانون یکشنبه به پایان می‌رسد.

تاریخ پیروان میلر از 1798 تا 1863، همان تاریخ از 1798 تا قانون قریب‌الوقوع یکشنبه نیز هست. تاریخی که در رؤیای ویلیام میلر بازنمایی شده و میان گفتن «بیا و بین» از سوی میلر تا گفتن «بیا و بین» از سوی مردِ جاروی خاک رخ می‌دهد، هم دوره 1798 تا 1863 است و هم دوره 1798 تا قانون یکشنبه. خطی که در 1863 پایان می‌یابد، فراکتالی نبوی از خطی است که در 1798 آغاز می‌شود و در قانون یکشنبه پایان می‌پذیرد. هر دو آن خطوط در رؤیای میلر بازنمایی شده‌اند.

در بسته ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پیش‌نمونه در بسته در هنگام قانون یکشنبه است. نبوت ۲۳۰۰ ساله که در ۱۸۴۴ تحقق یافت، پیش‌نمونه قانون یکشنبه است.

آمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ بیان شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف یک رویداد واحدند؛ و این همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، نشان داده شده است. مناقشه عظیم، ۴۲۶.

خطوط

أمگای کشفیات میلر نبوت ۲۳۰۰ ساله بود؛ از این‌رو هم ۱۸۴۴ و هم قانون یکشنبه به‌وسیله همان ۲۳۰۰ سال بازنمایی می‌شوند. بدین معنا که ۲۵۲۰ آلفا و ۲۳۰۰ أمگای هر دو خط است؛ یکی از خطوط در ۱۸۶۳ به انجام می‌رسد و خط دیگر در قانون یکشنبه خاتمه می‌یابد. در هر دو خط، نبوت ۲۵۲۰ آلفا و یا سنگ بنیاد است. فراکتال ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳ در تاریخ بنیادین میلری‌ها همچنین با فراکتال دیگری در تاریخ أمگای سنگ رأس یکصد و چهل و چهار هزار منطبق است.

در یازده سپتامبر، خدا قوم خود را فراخواند تا به راه‌های قدیمه ارمیا بازگردند؛ این راه‌ها همان بنیادها هستند. این بنیادها به‌نوبه خود به‌وسیله پیام‌آور تاریخ بنیادین نمایانده می‌شوند، و آن پیام‌آور نیز به‌نوبه خود با کشف آلفای بنیادینش درباره «هفت زمان» نمایانده می‌شود. «هفت زمان» نماد بنیادهای صد و چهل و چهار هزار است، و در یازده سپتامبر مهرگذاری آن گروه با پیام امتحانی بنیادها آغاز شد؛ پیامی که به‌وسیله نخستین حقیقت بنیادین ویلیام میلر و ادونتیسیم نمایانده می‌شود. در یازده سپتامبر زمان مهرگذاری آغاز شد و در قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار به پایان می‌رسد.

آن تاریخ فراکتالی است که با 2,520 آغاز می‌شود و با 2,300 پایان می‌یابد، و از این‌رو آن تاریخ خط سوم تاریخ نبوتی است که در رؤیای ویلیام میلر نمایانده شده است. 2,520 در سال 1798 تحقق یافت و 2,300 در سال 1844. کاری که دو خط مذکور نمایان می‌کنند، کار مسیح است در پیوند دادن الوهیت خویش با انسانیت ما. این، کار تبدیل گناهکار به قدیس است، بازنشاندن سرشت برتر بر تخت شایسته خود در سیادت بر سرشت فروتر. از همین رو، بدن انسان برای بازتولید کامل همه سلول‌های خویش 2,520 روز زمان می‌برد، و همین بدن بر بنیان ترکیب 23 کروموزوم نرینه با 23 کروموزوم مادینه استوار است. این دو در کنار هم هیكلی زنده پدید می‌آورند که با عدد «46» نمایانده می‌شود؛ عددی که نمایانگر بازه زمانی 1798 تا 1844 است؛ همان دوره‌ای که در رؤیای ویلیام میلر، از 2,520 در 1798 تا 2,300 در 1844 امتداد می‌یابد.

رؤیای ویلیام میلر همچنین فراکتال درخور توجه دیگری را در بر دارد. بازه ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، فراکتالی از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه است، چنان که ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳ نیز چنین بود. ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه، فراکتالی از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است؛ و این همان دوره تاریخی است که همه خطوط درون رؤیای میلر بدان به منزله امگای همه آنها اشاره می‌کنند. این همان دوره‌ای است که در آن حقایق نخستین به عظمت ده برابر خورشید می‌رسند.

دو هیاهو

در دهه ۱۸۴۰، واژه «bustle» (به‌عنوان اسم) معمولاً به معنای فعالیت پرانرژی، پرتکاپو یا پرسروصدا بود—غالباً با دلالتی از قیل‌وقال، هیجان، شتاب یا آشفتگی. این واژه به حرکت پرنشاط، هیاهو، یا رفت‌وآمد و تکاپوی پیوسته اشاره داشت؛ خواه در میان جمعیت، در یک خانوار، در بازار، یا هنگام رویدادی خاص. بدین‌سان، «bustle» خواب می‌لر و صف‌کننده هجوم فوری فعالیت، هیجان، یا کار فوری‌ای است که همان دم در جریان بود—جنب‌وجوش یا غوغای گذرای وضعیت یا موقعیت حاضر. می‌لر می‌گوید: «آنگاه، هنگامی که او خاک و خاشاک، جواهرات جعلی و سکه‌های تقلبی را می‌روید، همه چون ابری برخاستند و از پنجره بیرون رفتند و باد آنها را با خود برد. در آن غوغا لحظه‌ای چشم‌هایم را بستم؛ چون چشم‌هایم را گشودم، همه خاشاک از میان رفته بود.»

«هیاهو» در رویای میلر دو نقطه را مشخص می‌کند: نخست، آن‌گاه که جمعیت در حال پراکندن جواهرات است؛ و سپس، هنگامی که مردِ جارو به دست پنجره‌ها را می‌گشاید و آغاز به بیرون روبیدن جواهرات جعلی می‌کند. هیاهوی نخست، که آلفاست، عبارت است از پوشانده شدن جواهرات؛ و هیاهوی دوم، که اومگاست، عبارت است از اعاده‌ی جواهرات. در خلال آن هیاهو، می‌لر چشمانش را بست. می‌لر در سال ۱۸۴۹ به خاک سپرده شد، درست در همان مقطعی که مسیح دست خویش را برای بار دوم دراز می‌کرد تا بقیت قوم خود را گرد آورد. آنگاه می‌لر چشمانش را بست، و در ۱۸۵۰ حقایق او بار دیگر بر میزی نهاده شد تا فرمان حقوق برای نوشتن رؤیا و روشن ساختن آن تحقق یابد. در آن دوره‌ی هیاهو، می‌لر چشمانش را می‌بندد، و چون بیدار می‌شود، جواهرات در فرایند اعاده قرار دارند. دومین تکاپو در رؤیایش زمانی رخ می‌دهد که رایت آن صد و چهل و چهار هزار، که زکریا آن را «جواهر بر تاج» می‌خواند، احیا، تزکیه و تطهیر می‌گردد.

و خداوند، خدای ایشان، ایشان را در آن روز، چون گله قوم خویش، نجات خواهد داد؛ زیرا آنان چون سنگ‌های تاج خواهند بود که بر زمین او چون علمای برافراشته خواهند شد. زیرا چه عظیم است نیکویی او و چه عظیم است زیبایی او! غله جوانان را شادمان خواهد ساخت، و شراب تازه نیز دوشیزگان را. از خداوند باران بخواهید در هنگام بارانِ پسین؛ پس خداوند ابرهای درخشان پدید خواهد آورد و به ایشان رگبارهای باران عطا خواهد کرد، و به هر یک، سبزه‌ای در مزرعه. زیرا بت‌ها باطل سخن گفته‌اند، و غیب‌گویان دروغ دیده‌اند و خواب‌های دروغین گفته‌اند؛ به باطل تسلّی می‌دهند. از این‌رو چون گله‌ای راه خود گرفتند و پریشان گشتند، زیرا شبانی نبود. خشم من بر شبانان افروخته شد، و بزهای نر را مجازات کردم؛ زیرا خداوند لشکرها گله خویش، خاندان یهودا، را تفقد کرده است، و ایشان را چون اسب فاخر خویش در جنگ ساخته است. زکریا ۹:۱۶ تا ۱۰:۳

«رمه قوم او» هم بیرق و هم سنگ‌های (گوهرهای) تاج‌اند. رمه قوم او در زمان باران پسین شناسایی می‌شوند، زیرا فرمان آن است که در زمان باران پسین، باران پسین طلبیده شود. این رمه در تقابل است با آن «رمه»‌ای که به راه خود رفتند، نه به «راه‌های دیرینه»‌ی ارمیا. در زمان باران پسین، گوهرهایی که رمه اویند، اسب نجیب او در جنگ خواهند بود. آن «اسب نجیب» همان کلیسای

پیروزمند است، که در عروس مسیحی نخستین متمثل شد و در پطرس نماد یافت؛ او که، چون اسبی سفید در دوره مهر نخستین، بیرون رفت، در حال غلبه و برای آن که غلبه کند.

و چون بره یکی از مهرها را گشود، دیدم؛ و شنیدم یکی از آن چهار موجود زنده را که با آوازی همچون آوای رعد می‌گفت: «بیا و بنگر.» و دیدم، و اینک اسبی سفید؛ و آن که بر آن نشسته بود، کمائی داشت، و افسری بدو داده شد؛ و او بیرون آمد فتح‌کنان، تا فتح کند. مکاشفه ۱: ۶، ۲.

از این رو، پطرس نماد نخستین کلیسای مسیحی رسولان در هنگام افاضه پنتیکاستی باران است، و نیز نماد آخرین کلیسای مسیحی در زمان باران پسین، که افاضه پنتیکاستی نمونه آن بود.

و دیدم آسمان گشوده شد، و اینک اسبی سفید؛ و آن که بر آن نشسته بود «وفادار و حقیقی» خوانده می‌شد، و به عدالت داوری می‌کند و جنگ می‌کند. چشمان او چون شعله‌ای از آتش بود، و بر سر او تاج‌های بسیار بود؛ و نامی مکتوب داشت که جز خود او هیچ‌کس آن را نمی‌دانست. و جامه‌ای آغشته به خون در بر داشت؛ و نام او «کلام خدا» خوانده می‌شود. و لشکرهایی که در آسمان بودند، بر اسبان سفید او را پیروی می‌کردند، و به کتان نازک، سفید و پاک ملبس بودند. مکاشفه ۱۹: ۱۱-۱۴.

اسبان سفید نمایانگر سپاه مسیح‌اند که در حزقیال ۳۷ رستاخیز می‌یابند، و آنان همان کلیسای ظفرمند هستند و چون سنگ‌هایی در تاج‌اند؛ زیرا مسیح در زمان باران آخر، ملکوت جلال خویش را برقرار می‌سازد. به منزله نمایندگان ملکوت او، یکصد و چهل و چهار هزار، جواهراتی بر آن تاج‌اند که نماد ملکوتی است که او در پایان دو هزار و سیصد روز دریافت می‌کند؛ که هم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود و بار دیگر در هنگام قانون یکشنبه خواهد بود. آن ملکوت اسبان سفید در دوران باران آخر برپا می‌گردد، آنگاه که روزهای آسمان گشوده می‌شوند؛ زیرا یوحنا، هنگامی که آسمان گشوده شد، اسب سفید را دید.

در هیاهوی آلفای سال ۱۸۴۹، میلر برای لحظه‌ای کوتاه چشم‌هایش را در مرگ فروبست. میلر الیاس بود، و الیاس در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ درگذشت، و او به مدت 1,260 روز در خیابان افتاده بود تا به هیاهوی امگا رسید و آنگاه بیدار گردید. بیداری او مقارن با گشودن پنجره آسمان به دست مرد جاروی خاک برای بیرون روبیدن خاکروبه دانسته می‌شود. سپاه اسبان سفید هنگامی برپا می‌گردد که پنجره آسمان گشوده می‌شود، و چون آن رخ دهد، تمایز حق و باطل تشخیص داده می‌شود. آن جدایی نیز در کتاب ملاکی شناسایی می‌شود.

همه عشورها را به خانه خزانه بیاورید تا در خانه من خوراک باشد، و مرا اکنون در این امر بیازمایید، می‌گوید خداوند لشکرها، که آیا پنجره‌های آسمان را برای شما نخواهم گشود و برکتی بر شما نخواهم ریخت، تا آنجا که جای کافی برای دریافت آن نباشد. ملاکی ۳: ۱۰.

ارواح انبیا تابع انبیا هستند، و یوحنا در مکاشفه، رؤیای میلر و ملاکی، سه شاهد برای زمانی هستند که روزه‌های آسمان گشوده می‌شود. در رؤیای میلر، این در امگای دعوت «بیاوید و ببینید» است. هیاهو در آلفا زمانی بود که پراکندگی آغاز شد، و امگا زمانی است که گردآوری آغاز می‌شود.

پیش از آن که بیشتر به رؤیای میلر بپردازیم، می‌خواهیم شرح جیمز وایت بر آن رؤیا را نیز در اینجا نقل کنیم. جیمز وایت جواهر حقیقی را قوم حقیقی خدا و جواهر بدلی را شیرین می‌شمارد. من جواهر را حقایقی می‌دانم که در تقابل با خطا قرار دارند. جواهر و جواهر بدلی هر دو، هم پیام و هم پیام‌آوران‌اند، در تقابل با خطا و پیام‌آوران دروغین.

رؤیای برادر میلر

رؤیای زیر بیش از دو سال پیش در نشریه ادونت هرالده منتشر شد. آنگاه دیدم که آن به روشنی تجربه گذشته ما درباره ظهور ثانی را نشان می‌داد، و اینکه خدا آن رؤیا را برای منفعت کله پراکنده عطا کرد.

از جمله نشانه‌های نزدیک شدن روز بزرگ و هولناک خداوند، این است که خدا خواب‌ها را قرار داده است. بنگرید به یوئیل ۲:۲۸-۳۱؛ اعمال رسولان ۱۷:۲-۲۰. خواب‌ها ممکن است به سه طریق بیایند؛ نخست، «از کثرت مشغله». بنگرید به جامعه ۵:۳. دوم، آنان که زیر نفوذ روح ناپاک و فریب شیطان‌اند، ممکن است به واسطه تأثیر او خواب‌هایی ببینند. بنگرید به تثبیه ۸:۱-۵؛ ارمیا ۲۵:۲۳-۲۸؛ ۲۷:۹؛ ۲۹:۸؛ زکریا ۲:۱۰؛ یهودا ۸. و سوم، خدا همواره و هنوز نیز تا حدی قوم خود را به واسطه خواب‌ها تعلیم داده و می‌دهد؛ خواب‌هایی که از طریق وساطت فرشتگان و روح القدس می‌آیند. کسانی که در نور روشن حقیقت می‌ایستند خواهند دانست که چه هنگام خدا به آنان خوابی می‌دهد؛ و چنین کسانی با خواب‌های دروغین فریب نخواهند خورد و از راه منحرف نخواهند شد.

«و گفت: اکنون سخنان مرا بشنوید؛ اگر در میان شما نبی‌ای باشد، من، خداوند، خود را در رؤیا بر او آشکار خواهم ساخت و در خواب با او سخن خواهم گفت.» اعداد ۱۲:۶. یعقوب گفت: «فرشته خداوند در خواب با من سخن گفت.» پیدایش ۳۱:۲. «و خدا در خواب شبانه نزد لابان آرامی آمد.» پیدایش ۳۱:۲۴. خواب‌های یوسف را بخوانید، [پیدایش ۳۷:۵-۹] و سپس داستان جالب تحقق آنها در مصر. «در جبعون، خداوند در خواب شبانه بر سلیمان ظاهر شد.» اول پادشاهان ۳:۵۵. تمثال عظیم و مهم فصل دوم دانیال در خواب عطا شد، همچنین چهار حیوان و غیره در فصل هفتم. چون هیروُدیس در پی هلاک کردن نجات‌دهنده نوزاد بود، به یوسف در خواب هشدار داده شد که به مصر بگریزد. متی ۲:۱۳.

«و خواهد شد که در ایام آخر، خدا می‌گوید: از روح خود بر تمام بشر فرو خواهم ریخت؛ و پسران شما و دخترانتان نبوت خواهند کرد، و جوانان شما رویاها خواهند دید، و پیران شما خواب‌ها خواهند دید.» اعمال رسولان ۲:۱۷.

عطیه نبوت، به وسیله خواب‌ها و رؤیاها، در اینجا ثمره روح القدس است و در روزهای آخر آن چنان آشکار خواهد شد که نشانه‌ای به شمار آید. این یکی از عطایای کلیسای انجیلی است.

و او بعضی را رسولان، و بعضی را انبیا، و بعضی را مبشران، و بعضی را شبانان و معلمان مقرر فرمود؛ برای تکمیل قدیسان، برای کار خدمت، برای بنای بدن مسیح. افسسیان ۴:۱۱، ۱۲.

«و خدا بعضی را در کلیسا گماشت، نخست رسولان، دوم انبیا»، و غیره. اول قرنتیان ۱۲:۲۸. «نبوت‌ها را خفیف بشمارید.» اول تسالونیکیان ۵:۲۰. همچنین بنگرید به اعمال رسولان ۱۳:۱؛ ۲۱:۹؛ رومیان ۷:۶؛ اول قرنتیان ۱۴:۱، ۲۴، ۳۹. انبیا یا نبوت‌ها برای بنای کلیسای مسیح مقرر شده‌اند؛ و هیچ دلیلی که بتوان از کلام خدا اقامه کرد وجود ندارد که دلالت کند بر لزوم انقطاع ایشان پیش از انقطاع مبشران و شبانان و معلمان. اما معترض می‌گوید: «آن قدر رؤیاها و خواب‌های کاذب بوده است که نمی‌توانم به هیچ‌یک از این‌گونه امور اعتماد کنم.» این حقیقت دارد که شیطان بدل جعلی خود را دارد. او همواره انبیای کذاب داشته است و یقیناً اکنون نیز، در این واپسین ساعت فریب و ظفر او، باید انتظارشان را داشت. آنان که چنین مکاشفات خاص را به سبب وجود بدل جعلی طرد می‌کنند، به همان درجه وجاهت می‌توانند یک گام فراتر روند و انکار کنند که خدا هرگز خود را در خوابی یا رؤیایی بر انسان مکشوف ساخته است؛ زیرا بدل جعلی همواره وجود داشته است.

رؤیاها و مکاشفات وسیله‌ای هستند که خدا از طریق آنها خود را بر انسان آشکار کرده است. از همین طریق با پیامبران سخن گفت؛ او موهبت نبوت را در شمار موهبت‌های کلیسای انجیلی قرار

داده است و رؤیایها و مکاشفات را در زمره دیگر نشانه‌های «ایام آخر» به شمار آورده است. آمین.
مقصود من در ملاحظات فوق این بوده است که اشکالات را به نحوی مطابق با نصوص کتاب
مقدس رفع کنم و ذهن خواننده را برای آنچه در پی می‌آید آماده سازم.

دبلیو. ام. میلر،

"لو همپتون، نیویورک. ۳ دسامبر ۱۸۴۷. "جیمز وایت، رؤیای برادر میلر، ۱-۶.

1. «صندوقچه» نمایانگر حقایق عظیم کتاب مقدس مربوط به مجیء ثانی خداوند ما عیسی مسیح
است؛ حقایقی که به برادر میلر داده شد تا آن‌ها را در جهان منتشر سازد.

2. «کلید پیوسته» همان شیوه او در تفسیر کلام نبوتی بود—سنجیدن کتاب مقدس با
کتاب مقدس—کتاب مقدس خود مفسر خویش است. با این کلید، برادر میلر آن «صندوقچه»، یا
همان حقیقت عظیم ظهور را به روی جهان گشود.

3. «جواهر، الماس‌ها و غیره»ی «از هر گونه و اندازه‌ای» که «به زیبایی در جایگاه‌های خود در
صندوقچه» مرتب شده‌اند، نمایانگر فرزندان خدا [ملاکی ۳:۱۷]، از همه کلیساها، و از تقریباً هر
طبقه و موقعیت زندگی هستند؛ آنان که ایمان به ظهور را پذیرفتند و دیده می‌شد که هر یک در
مواضع خویش، در امر مقدس حق، موضعی جسورانه اتخاذ می‌کردند. در حالی که در این نظم
حرکت می‌کردند، هر یک به وظیفه خویش می‌پرداخت و متواضعانه در حضور خدا سلوک
می‌نمود، «نور و جلالی را بازمی‌تاباندند» بر جهان، که تنها کلیسا در ایام رسولان با آن برابری
داشت. پیام [مکاشفه ۱۴:۶، ۷] چنان که گویی بر بال‌های باد می‌رفت، و دعوت «بیاید، زیرا اکنون
همه چیز مهیا است» [لوقا ۱۴:۱۷] با قوت و اثر به هر سو انتشار یافت.

4. «مردم آمدن را آغاز کردند؛ نخست شمارشان اندک بود، اما شمارشان فزونی گرفت تا به
جماعتی انبوه برسد.» هنگامی که تعلیم ظهور ثانی نخستین بار به وسیله برادر میلر و عده‌ای
بسیار اندک دیگر موعظه شد، تأثیر اندکی داشت و تنها عده‌ای بسیار اندک به واسطه آن بیدار
شدند؛ اما از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، هر جا که این تعلیم موعظه می‌شد، تمام جامعه برانگیخته می‌شد.

5. هنگامی که فرشته در حال پرواز [مکاشفه 7-14:6] نخست آغاز کرد به اعلام بشارت جاودان، «از
خدا بترسید و به او جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است»، بسیاری به امید آمدن
عیسی و اعاده، از شادی فریاد برآوردند؛ و همانان بعدها با حقیقتی که اندک زمانی پیش ایشان را
پراز شادی کرده بود مخالفت ورزیدند و آن را به استهزا و تمسخر گرفتند. آنان آشفتگی پدید
آوردند و گوهرها را پراکندند. این ما را به پاییز 1844 می‌رساند، زمانی که دوره پراکندگی آغاز شد.

این را به یاد داشته باشید: آنان که روزگاری «از شادی فریاد برآوردند»، همان کسانی بودند که
گوهرها را آشفته و پراکنده ساختند. و از سال ۱۸۴۴ بدین سو، هیچ‌کس به اندازه کسانی که زمانی
حق را موعظه می‌کردند و در آن شادمان بودند، رمه را چنین مؤثرانه پراکنده نساخته و به
گمراهی نکشاده است؛ اما از آن پس کار خدا و تحقق نبوت را در تجربه ظهور پیشین ما انکار
کرده‌اند.

6. «گوهرهای بدلی و سکه‌های جعلی» که در میان اشیای اصیل پراکنده شده بودند، به روشنی
نمایانگر گرویدگان دروغین، یا «فرزندان بیگانه» [هوشع ۵:۷]، از آن هنگام که باب در سال ۱۸۴۴
بسته شد.

7. «خاک و تراشه‌ها، شن و هرگونه زباله»، نمایانگر خطاهای گوناگون و عدیده‌ای است که از پاییز
سال ۱۸۴۴ در میان مؤمنان ظهور ثانی راه یافته‌اند. در اینجا به چندی از آنها اشاره خواهم کرد.

1. موضعی که برخی از «شبانان» بلافاصله پس از اعلان فریاد نیمه‌شب با جسارت اتخاذ کردند، این بود که قدرت مهیب دل‌گداز روح‌القدس که جنبش ماه هفتم را همراهی می‌کرد، نفوذی مسمری بوده است. جرج استورز از نخستین کسانی بود که چنین موضعی گرفت. به نوشته‌های او در اواخر سال 1844 در نشریه «Midnight-Cry» که در آن زمان در شهر نیویورک منتشر می‌شد مراجعه کنید. جی. وی. هایمز در کنفرانس آلبانی در بهار 1845 گفت که جنبش ماه هفتم، مسمریسمی به عمق هفت پا پدید آورد. این را کسی که حاضر بود و آن سخن را شنید به من گفته است. دیگرانی که در فریاد ماه هفتم نقش فعالی داشتند، از آن پس آن جنبش را کار ابلیس اعلام کرده‌اند. نسبت دادن کار مسیح و روح‌القدس به ابلیس در ایام نجات‌دهنده ما کفرگویی بود، و اکنون نیز کفرگویی است. 2. آزمون‌گری‌های بسیار درباره زمان معین. از آن‌گاه که دو هزار و سیصد روز در سال 1844 به پایان رسید، افراد گوناگونی چندین وقت برای پایان آن معین کرده‌اند. ایشان با این کار، «نشانه‌های مرزی» را برداشته، و ظلمت و تردید را بر سراسر جنبش ظهور افکنده‌اند. 3. احضار ارواح با همه خیال‌بافی‌ها و افراط‌کاری‌هایش. این نیرنگ ابلیس که کار هولناک مرگ را به انجام رسانده است، به راستی به‌جا با «تراشه‌ها» و «هرگونه زوائد» نمایانده شده است. بسیاری از آنان که زهر احضار ارواح را فرو بردند، به صدق تجربه گذشته ما در باب ظهور اذعان کردند، و از همین واقعیت، بسیاری بدین باور کشانده شده‌اند که احضار ارواح ثمره طبیعی ایمان به این است که خدا جنبش‌های عظیم ظهور در 1843 و 1844 را رهبری کرد. پطرس، در سخن گفتن از آنان که «بدعت‌های هلاکت‌بار را داخل خواهند کرد، حتی انکار کردن آن خداوند که ایشان را خریده است»، می‌گوید: «به سبب ایشان، راه حقیقت بدنام خواهد شد.» 4. اس. اس. اسنو که مدعی است «ایلیا نبی» است. این مرد در سیر غریب و افسارگسیخته خود، در این کار مرگ‌آفرین نیز نقش خود را ایفا کرده است، و مسیر او گرایشی داشته است که موضع حقیقی مقدسان منتظر را در نظر بسیاری نفوس صادق بی‌اعتبار سازد.

به این فهرست خطاها می‌توانم بسیاری دیگر را نیز بیفزایم، مانند قرار دادن «هزار سال» مکاشفه ۷:۴، ۷ در گذشته؛ یکصد و چهل و چهار هزار مکاشفه ۷:۴؛ ۱۴:۱؛ آنان که پس از رستاخیز مسیح «برخاستند و از قیور بیرون آمدند»؛ آموزه نفی اعمال؛ آموزه هلاکت اطفال؛ و غیره و غیره. این خطاها چنان با جدیت ترویج می‌شد و بر گله منتظر تحمیل می‌گردید که، در زمانی که برادر میلر آن رؤیا را دید، گوهرهای حقیقی «از نظرها کنار گذاشته شده بودند»، و کلام نبی مصداق داشت: «و داوری به عقب رانده شده، و عدالت از دور ایستاده است»، و غیره و غیره. رجوع کنید به اشعیا ۵۶:۱۴.

در آن زمان در این سرزمین هیچ نشریه ظهور وجود نداشت که مدافع امر حقیقت حاضر باشد. «Day-Dawn» آخرین نشریه‌ای بود که از موضع راستین گله کوچک دفاع می‌کرد؛ اما چند ماهی پیش از آن که خداوند این رؤیا را به برادر میلر عطا کند، از میان رفت؛ و در واپسین تقلاهای احتضارش، سال ۱۸۷۷ - که آن زمان سی سال در آینده بود - را به‌عنوان زمان رهایی نهایی ایشان پیش روی قدیسان خسته و آه‌زنان نهاد. افسوس! افسوس! جای شگفتی نیست که برادر میلر در رؤیای خود بر این وضع اسف‌انگیز امور «نشست و گریست».

8. صندوقچه نمایانگر حقیقت ظهور ثانی است که برادر میلر آن را به جهان اعلان کرد، چنان که در مثل ده باکره مشخص شده است. متی 1:25-11. نخست، زمان، 1843؛ دوم، زمان تأخیر؛ سوم، فریاد نیمه‌شب، در ماه هفتم 1844؛ و چهارم، در بسته. هیچ‌کس که از سال 1843 به این سو جراید ظهور ثانی را خوانده باشد، انکار نخواهد کرد که برادر میلر از این چهار نکته مهم در تاریخ ظهور ثانی حمایت کرده است. این نظام هماهنگ حقیقت، یا «صندوقچه»، به دست کسانی که تجربه خود را طرد کرده‌اند و همان حقایق را که خود ایشان، به‌همراه برادر میلر، بی‌باکانه به جهان موعظه کردند، انکار نموده‌اند، پاره‌پاره شده و در میان خاشاک پراکنده گشته است.

۹. مرد دارای «برس خاکروب» نمایانگر نور روشن حقیقت حاضر است، چنان که به وسیله پیام فرشته سوم [مکاشفه ۹: ۱۴-۱۲] آشکار ساخته شده است؛ پیامی که اکنون خطاها را از باقیات تطهیر می‌کند. امر حقیقت حاضر در بهار ۱۸۴۸ رو به احیا نهاد و از آن زمان تا کنون رو به عروج و قوت‌یابی بوده است. «برس خاکروب» در حرکت بوده و خطاها در برابر نور روشن حقیقت رو به زوال بوده‌اند، و برخی از جواهر گران‌بها که تا اندک زمانی پیش به سبب تاریکی و خطا پوشیده و از دید پنهان بودند، اکنون در نور روشن حقیقت حاضر ایستاده‌اند.

این کار آشکار ساختن گوهرها و زدودن خطا، به سرعت رو به افزایش است، و مقدر است که با نیرویی فزاینده پیش رود، تا آن‌گاه که همه قدیسان جسته و یافته شوند و مهر خدای زنده را دریافت کنند. این را با باب سی و چهارم حزقیال مقایسه کنید، و خواهید دید که خدا وعده داده است گله خود را که از سال ۱۸۴۴ در این روز تیره و ابری پراکنده شده‌اند، گرد آورد. پیش از آن که عیسی بیاید، «گله کوچک» در «وحدت ایمان» گرد آورده خواهد شد. عیسی اکنون «برای خویش قومی خاص، غیور در اعمال نیک» را تطهیر می‌کند، و چون بیاید، کلیسای خویش را خواهد یافت که «نه لکه‌ای دارد و نه چروکی و نه چیزی همانند این‌ها». «بیل بادزن در دست اوست، و خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد کرد، و گندم خویش را به انبار گرد خواهد آورد، و غیره.» متی ۱۲: ۳.

۱۰. صندوقچه دوم، «به مراتب بزرگ‌تر و زیباتر از پیشین»، که در آن «جواهرات»، «الماس‌ها» و سکه‌های پراکنده گردآوری شدند، نمایانگر عرصه گسترده حقیقت زنده حاضر است که گله پراکنده در آن گرد خواهند آمد؛ یعنی همان ۱۴۴,۰۰۰ تن که همگی مهر خدای زنده را دارند. هیچ‌یک از الماس‌های گران‌بها در تاریکی باقی نخواهد ماند. هرچند برخی از آنها از نوک سوزن بزرگ‌تر نیستند، در این روز که خدا جواهرات خود را فراهم می‌آورد، از نظر دور نخواهند ماند و کنار گذاشته نخواهند شد. [ملاکی ۱۶: ۳-۱۸] او می‌تواند فرشتگان خود را بفرستد و آنان را به شتاب بیرون بیاورد، چنان که لوط را از سدوم بیرون آورد. «کاری کوتاه را خداوند بر زمین خواهد کرد.» و آن را در عدالت کوتاه خواهد ساخت. «بنگرید به رومیان ۲۸: ۹. جیمز وایت، پاورقی‌هایی بر رؤیای برادر میلر.